

سرشناسه: ملکی، یوسف ۱۳۵۱
 عنوان و پدید آورنده: شکوفایی علوم در دوره حکومت سامانیان، یوسف ملکی
 مشخصات نشر: تبریز - دریای سخن، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۱۷۶ صفحه، رقعی
 شابک: ۴-۰۰-۹۲۷۹۱-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص ۱۷۶-۱۵۰
 موضوع: علوم-ایران-قرن ۳-۴ق
 موضوع: ایران-تاریخ-سامانیان-۲۷۹-سرگذشت نامه
 ردیف: DSR ۶۴۵/م۷ش۸ ۱۳۹۳
 رده بندی دیوید: ۹۵۵/۰۴۷۱:
 شماره کتاب شناسی ملی: ۳۳۸۹۰۸۵

DARYA BUKHAN
 PUBLICATION
 darjaya@rammail.com

عنوان: شکوفایی علوم در دوره حکومت سامانیان

مؤلف: یوسف ملکی

ویراستار ادبی: سعید عبدال

طراحی روی جلد: اکبر منافی

ناشر: تبریز، دریای سخن

تایپ و صفحه آرایی: رقیه حبیبی اربطانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

تعداد صفحه و قطع: ۱۷۶ صفحه، وزیری

چاپ: لک لری

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک: ۴-۰۰-۹۲۷۹۱-۹۷۸

صحافی: نوبل

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

حق چاپ و کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات دریای سخن می باشد.

تقدیم به :

- همه‌ی کسانی که مرا علم آموختند، به آنان که قدم به قدم مرا به جهان دانش رهنمون ساختند، به کسانی که عمر خود را در راه اعتلای علم و دانش صرف کردند.

- به پدر و مادر عزیزم، دو گوهر گرانقدر هستی، که با درخشش خویش همواره روشنی بخش این راه بوده و بهترین مشوقان من در دنیای تعلیم و تربیتم بودند.

- به همسر مهربان و دلسوزم که شمع کلبه زندگی مشترک مان بوده و به فرزندانم که شکلات و ناملایمات زندگی، مشوقی دلسوز و پشتیبانی فداکار هستند.

تقدیر و تشکر :

خدای را سپاس می‌گویم که در توفیق برگزیده تا چند صباحی از محضر اساتیدی برجسته و پژوهشگرانی کارآزموده بهره‌مند باشم. در روند تهیه این مجموعه لازم می‌بینم از زحمات و پشتیبانی‌های کلیه عزیزانی که بنده را همراهی و مساعدت نموده‌اند صمیمانه تشکر و سپاسگزاری نموده و دست یکایک ایشان را به نشانه ارادت از دور می‌بوسم. سلامتی و قرین زندگی شیرین ایشان باد. ان شاء الله.

۷	مقدمه
	فصل اول: اوضاع سیاسی اجتماعی ایران مقارن ظهور سامانیان
۲۳	تأسیس دولت سامانی
۳۵	معاهده صلح قطوان (۳۸۶ هـ / ۹۹۶ م)
۳۶	سیاست عمومی خلافت در آستانه حکومت سامانیان
۴۴	اوضاع مذهبی ایران مقارن ظهور سامانیان
	فصل دوم: دیوان سالاری در عصر سامانیان
۵۰	دیوان سالاری در عصر سامانیان
۵۱	دربار
۵۳	دیوان‌ها
	فصل سوم: اقتصاد سامانیان
۶۱	منابع اقتصادی
۷۰	مسکوکات دوره سامانی
۷۳	طبقات اجتماعی
	فصل چهارم:
	فرهنگ در دوره سامانیان «رویکرد سامانیان به فرهنگ و علوم گوناگون»
۷۸	تأثیر پیشینه خاندانی و تربیتی سامانیان و چگونگی مواجهه آنان با علوم
	تأثیر ارتباط سامانیان با خلفای عباسی در رویکرد سامانیان به اهل علم
۸۱	و فرهنگ

شیوه‌های حکومتی سامانیان و تأثیر آن در روند علوم	۸۶
جایگاه وزرای عالم و دانشمند در حکومت سامانیان و تأثیر آن در	
توسعه‌ی علوم	۹۲
دولت‌های محلی وابسته سامانی و تأثیرگذاری در توسعه یا رکود	
علم و فرهنگ	۱۰۲
توسعه مراکز علمی و آموزشی و تأثیر آن در شکوفایی علم و	
فرهنگ «مراکز تعلیم»	۱۱۱
وضعیت علوم در دوره سامانیان	۱۲۳
فصل پنجم : انحطاط و فروپاشی سامانیان	
انقراض سامانیان	۱۴۷
علل انقراض و فروپاشی سامانیان	۱۴۹
بخارا، آرامگاه ابدی سامانیان	۱۶۶
منابع	۱۷۴

مقدمه

دوران حکومت سامانیان یکی از برجسته ترین دوره های تاریخی ایران است. این دوره از ابعاد مختلف حائز اهمیت است. از یک سو دستاوردهای علمی و فرهنگی و از دیگر سو به جهت اصول کشورداری و اداری و اجتماعی و از طرف دیگر به گواهی مورخان این دوره یکی از کم نظیرترین دوره های ایران اسلامی می باشد. در این دوره شهرهای خراسان بزرگ مانند نیشابور، بلخ و هرات از پایتخت های مهم فعالیت های علمی و معارف اسلامی بوده است. بخارا پایتخت سامانیان مرکز سیاسی و فرهنگی شرق اسلامی و نیز در شهر سمرقند، علمای بزرگی سرورند و دانشمندانی از دیگر سرزمین های اسلامی به آن شهر روی آوردند.

با حمایت ایران و از آن خردمند سامانی، تألیفات بسیاری در علوم شرعی پدید آمد و علوم عقلی مسرور برقی و تعالی را پیمود که از آثار ذی قیمت آن هنوز باقی است. در عهد سامانیان به حمایت های این دودمان ایرانی، زبان و ادب فارسی شکوفا شد و آثاری به نظم فارسی پدید آمد. در اثر مساعی امرای سامانی پاره ای از آداب و آیین های کهن ملی پایدار ماند که داستان های حماسی و جشن های ملی بخشی از آن میراث باستانی است.

در شهرهای بزرگ سامانیان مانند بخارا و نیشابور برای نخستین بار نهادهای آموزشی مستقلی به نام مدرسه بوجود آمد. در نتیجه اتخاذ سیاست تسامح و تساهل امرای سامانی پیروان عقاید و فرق مختلف علمی و فقهی را به آزادی فعالیت می کردند، از این رو نحله های فکری گوناگونی پدید آمد. در این دوره بر اثر مناظرات علمی، شمار فراوانی از آثار کلامی و فلسفی خلق گردید. در این دوره وزیران کاردان و دانشمندان سامانی تشکیلات دیوانی و نظام اداری منسجمی پدید آوردند که سرمشقی برای سلسله ها و دولت های بعدی گردید.

سامانیان که خواهان بدست آوردن سربلندی ملی ایرانیان بودند در این باره تلاش‌ها کردند هر چند که در کنار آن در جهت دستیابی به آرمان‌های خود با دستگاه خلافت عباسی روش مدارا را در پیش گرفتند. و از این طریق در جذب اندیشه‌های ایرانی به سوی خود پایه‌های حکومت خویش را استوار نمودند و حکومت خود را شایستگی بخشیدند.

«دوره حکومت سامانیان یکی از اولین حکومت‌های ایرانی، پس از اسلام آوردن ایران است که بر بخش وسیعی از سرزمین پهناور ایران به ویژه در خراسان و سمرقند حکومت می‌کردند. آنها را بعضاً از اعقاب ساسانیان می‌دانند. از این جهت به ایرانیان مدن مشهورند. همچنین این سلسله بر خلاف بعضی از سلسله‌های دیگر که از بابانگیزی به حکومت داری رسیده‌اند، اقوامی بودند که آبا و اجداد آنها شهرنشین و نه روستایی و اشرافی و از اعقاب سامان نامی از امرای محل یعنی از دهقانان بود.^۱ «اعقاب حقیقی معتقدند که سامانیان خاندانی قبیله‌ای بودند که بزرگ‌ترین فرد ذکور به نسبت پادشاهان خاندان تعیین می‌شد و سامان جد اعلای آنان امیرک یا دهقانی بوده و در شرکت به همین نام حکومت داشته است.^۲

«سامانیان در حدود ۱۲۰ سال در مناطق وسیع کشور حکومت داشتند و عمده اقتدار آنان در زمان امیر اسماعیل و ولین امیر سامانی و سومین آنها یعنی نصر بن نوح که در حدود ۳۰ سال حکومت کرده بود است. اینان با آنکه سخت طرفدار خلفای عباسی بودند و به نام آنان خطبه می‌خواندند اما خود کاملاً مستقل بودند و امارات آنان سخت از نوع استیلا بود. امارت استیلای امیران بود که خلیفه از روی ناچاری حکومت را واگذار می‌کرد.^۳

۱- فرای، ریچارد، بخارا دستاورد قرون وسطی؛ ترجمه محمد محمودی، انتشارات علمی و فرهنگی تهران ۱۳۶۵ ص ۷۰

۲- محمد بن حسن طوسی اخلاق ناصری، به تصحیح مجتبی مینوی و علیرضا جیدری، تهران ۱۳۷۳، صص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۳- صدیق غلامحسین، جنبش‌های دینی و ایرانی در قرن های دوم و سوم، انتشارات زرین، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۵۷.

۴- صفا ذبیح الله، تاریخ و ادبیات ایران جلد اول، پیشین صص ۱۶۹-۱۶۵.

«آنان اگر چه با حکومت‌های دیگر در این زمینه درگیر می‌شدند. اما در عین حال در محیط اقتدار خویش از مشوقان علم و فرهنگ بوده و همچون سلجوقیان و غزنویان تعصب افراطی نداشتند. البته با شیعیان هم به خاطر اینکه مذهب تسنن مذهب غالب بود و خلفای عباسی با شیعیان درگیر بودند، موافق نبودند. زیرا شیعیان همیشه برای دستگاه خلافت مزاحم تلقی می‌شدند.^۵

رمز جاودانگی روزگار سامانیان و ستایش جهانیان از این عصر، در دست‌رزدی عظیم و خیره‌کننده آن در عرصه‌های گوناگون علمی و هواخواهی از فکر و اندیشه است. سامانیان آفرینش گران عصری در تاریخ شدند که نخبگانش را به عنوان اخلاص و عهده‌داری طلایی یونان باستان باید شمرد. زیرا که معلم ثانی (ابونصر فارابی)، ابومیسر ثانی (ابونصر عراق)، جالینوس ثانی (ابوعلی سینا)، بقراط ثانی (ابوطیب نیشابوری) و... همگی محصول رستاخیز این روزگارند.

تب و تاب ایرانی در عصر سامانیان حاکی از حضور مجدد این مردم در عرصه‌های سیاسی و نظامی و به ویژه فرهنگی پس از دو قرن است. همچنان که رکود حیات فرهنگی از ساسانیان، سامانیان، شانگر فقدان یک روح متحول و پویا در میان ایرانیان، و وجود نگرش‌های متعصبانه حکام و خلفای عرب نسبت به این ملت فرهیخته است. این همه در حالی بود که سامانیان، در کنار احیا و تداوم فرهنگ و تمدن ایران باستان، به متحول شدن و انباشته شدن اسلامی در قالب‌های نوین و خلاق نیز برآمدند. این خاندان، در پرتو اسلام، شعور و نگرش ایرانیان را رونق بخشیده و بدان جلوه عالم گیر دادند.

بزرگ‌ترین هنر سامانیان، ایجاد یک فضای مساعد و مستعد به عنایت به مکتب اسلام، در دورترین فاصله از حاکمیت خلفای عرب بود که هر آن دور از اندیشه‌های متعصبانه، به سبب آزاداندیشی و تساهل و تسامح و مهارت با افکار گوناگون می‌پرداختند. همان‌گونه که خراسان و مرکزیت دولت سامانی، در دورترین

۵- عوفی، سدید الدین الالباب، ج دوم، انتشارات کاوه، تهران، ۱۳۷۰ ص ۲.

نقطه نسبت به خلافت عرب بود، ساختار فکری و فرهنگی آنان نیز بیشترین فاصله را از فرهنگ عرب داشت. بنابراین اگر آل بویه به اشاعه و تقویت فرهنگ و زبان و ادبیات عرب مبادرت می‌ورزند، بزرگ‌ترین افتخار سامانیان، دوری گزیدن از آن و احیای فرهنگ و ادب پارسی بود. شاهنامه، نمایش احیاء عنصر فرزانه ایرانی در قبال مهاجمان متعصب و بیگانه ترک و عرب است. لذا اگر فردوسی یک شاعر و متفکر جهانی شده است، این به سبب عمق کلام و اندیشه باز روزگار اوست.

یکی دیگر از اقدامات چشمگیر سامانیان در درون حوزه سیاسی قلمرو خویش ایجاد یک روح متجانس در کالبد یک پیکره نامتجانس از فرهنگ‌ها و قومیت‌هاست. سرانجام بزرگ، سرزمینی که از ری تا کاشغر را در بر می‌گرفت، نماد یک قلمرو متجانس فرهنگی و سیاسی شد. امروزه نیز با گذشت هزار سال، هنوز یک تاجیک من خود را در پیوند استوار فکری و فرهنگی با یک ایرانی می‌داند و بر آن پای می‌شمارد.

مهمترین واژگان مورد استفاده به شرح زیر می‌باشد:

برآمدن : پیدایی و استقرار

برافتادن : از هم پاشیدن

دودمان : سلسله

سامانی : منسوب به سامان (جد سامانیان)

فروپاشی : اضمحلال و از هم گسیختگی

دوران امارت سامانیان یکی از برجسته‌ترین دوره‌های تاریخ ایران و سرزمین‌های شرقی جهان اسلام است. این دوره از جهات گوناگون حایز اهمیت است: از یک سو به لحاظ دستاوردهای بی‌شمار علمی و از سوی دیگر به جهت آثار دیرپا و پر نفوذ اداری و اجتماعی، از طرفی، به گواهی مورخان و جغرافیا نویسان این دوره یکی از کم نظیرترین دوره‌های تمدن اسلامی است.

در این دوره شهرهای خراسان بزرگ، مانند مرو، نیشابور، بلخ، هرات پایگاه فعالیت‌های علمی و معارف دینی شد و در بخارا پایتخت سامانیان و مرکز سیاسی،

فرهنگی شرق اسلامی و نیز در سمرقند دیگر کرسی روز علمای بزرگی سر بر آوردند و دانشمندانی از سراسر سرزمین‌های اسلامی به آن شهرها رو کردند. همچنین با حمایت ایران و وزیران خردمند سامانی و هم به علایق شخصی، تألیفات بسیاری در علوم شرعی پدید آمد و علوم عقلی راه تکامل پویید. قسمتی از این میراث گرانبها به یادگار مانده است.

از سوی دیگر در عهد سامانیان و به تشویق این دودمان ایرانی، زبان و ادب فارسی حید شکوفا و آثار فراوانی به نظم و نثر فارسی پدید آمد. این امر از لحاظ سیاسی و اجتماعی و فرهنگی تأثیرهای شگرفی بر جای نهاد و در نتیجه آن پاره‌ای از آداب و آیین‌های کهن ملی زنده و برقرار ماند که داستان‌های حماسی و جشن‌های ملی بخشی از آن میراث باستانی است. به علاوه با رویکرد و عنایت دربار بخارا به زبان عربی نظری منظم و منشور به این زبان تألیف شد.

در این زمان، در بسیاری از مناطق کشور حلقه‌های درس و بحث برقرار بود. افزون بر این رونق سازمان یافت، دانش‌ها مرهون نهادهای آموزش مستقلی بود به نام مدرسه که نخستین بار در شهرهای بزرگ سامانیان مانند بخارا و نیشابور، پا گرفت.

در زمان سامانیان، در نتیجه اتخاذ سیاست تساهل و اعتدال، پیروان عقاید و فرق مختلف، به آزادی فعالیت می‌کردند. هم‌زمان رو جریان‌های فکری گوناگونی پدید آمد. در این دوره برخورد افکار و مناظرات علانی در پویایی حرکت فکری و عقلانی و پیدایی شمار فراوانی از آثار کلامی و فلسفی همچون انکار ناپذیر داشت.

همچنین در این دوره، وزیران خردمند و کاردان سامانی، تشکیلات دیوانی و نظام اداری منسجمی پدید آوردند که سرمشقی برای سلسله‌ها و دولت‌های بعدی شد. در روزگار سامانیان، حیات مادی نیز در نتیجه فعالیت‌های تولیدی و تجاری تحول یافت، به گونه‌ای که در همه جا و در میان همه طبقات شور و نشاط اجتماعی و کار و تلاش به چشم می‌خورد.

این مجموعه‌ی تالیفی گستره زمانی اواسط سده سوم تا اواخر سده چهارم هجری قمری را در قلمرو سامانیان که از آن به مشرق یا خاوران و خراسان بزرگ و گاه خراسان و ماورالنهر یاد می‌شود در برمی‌گیرد. این قلمرو پهناور، جز خراسان شامل بخش‌های گسترده‌ای از افغانستان و منطقه‌ای که در عرف جغرافیای سیاسی امروز آن را آسیای مرکزی می‌نامند از جمله جمهوری‌های نو استقلال یافته ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان است. این تحقیق با تکیه بر منابع اصیل و معتبر و مراجعه به پاره‌ای تحقیقات جدید انجام گرفته است و نگارنده امیدوار است که خوانندگان جوان با مطالعه آن با بخشی از تاریخ پرفراز و نشیب کشور آشنا شوند.

در فصل اول اوضاع سیاسی اجتماعی ایران مقارن ظهور سامانیان بررسی می‌گردد که شامل پیشینه‌ی خاندان سامانیان، تأسیس دولت سامانی، جغرافیای تاریخی ماورالنهر، فضای عمومی خلافت در آستانه حکومت سامانیان و اوضاع مذهبی ایران مقارن ظهور سامانیان می‌باشد.

فصل دوم، دیوان سالاری و عصر سامانیان را با دو موضوع دربار و دیوان‌ها بررسی می‌کند.

فصل سوم در ارتباط با اوضاع اقتصادی سامانیان و موضوعاتی همچون منابع اقتصادی، مسکوکات دوره سامانی، طبقات اجتماعی، روابط سامانیان با خلافت عباسی، روابط حکومت سامانی با علویان می‌باشد.

فصل چهارم به بررسی فرهنگ در دوره سامانیان می‌پردازد و رویکرد سامانیان به فرهنگ و علوم گوناگون» پرداخته است که موارد زیر را بررسی می‌کنند:

تأثیر پیشینه خاندانی و تربیتی سامانیان و چگونگی مواجهه آنان با علوم، تأثیر ارتباط سامانیان با خلفای عباسی در رویکرد سامانیان به اهل علم و فرهنگ، شیوه‌های حکومتی سامانیان و تأثیر آن در روند علوم، جایگاه وزرای عالم و دانشمندان در حکومت سامانیان و تأثیر آن در توسعه‌ی علوم، دولت‌های محلی وابسته سامانی و تأثیرگذاری در توسعه یا رکود علم و فرهنگ، توسعه‌ی مراکز علمی و آموزشی و تأثیر آن در شکوفایی علم و فرهنگ «مراکز تعلیم»، وضعیت علوم در دوره سامانیان، علوم ادبی و مذهبی در عصر سامانیان، علوم عقلی.

و بالاخره فصل پنجم به بررسی انحطاط و فروپاشی سامانیان می‌پردازد و در همین راستا در سه موضوع انقراض سامانیان، علل انقراض و فروپاشی دودمان سامانی، بخارا، آرامگاه ابدی سامانیان بحث می‌کند.

و در نهایت عناوین منابع و مآخذ جهت اطلاع و استفاده ذکر شده است.

www.ketab.ir

بررسی برخی از منابع مورد استفاده:

الکامل

عزالدين بن اثير، الکامل فی التاريخ، ترجمه حميدرضا آژير، انتشارات اساطير

۱۳۸۳ ش.

الکامل عزالدين ابن اثير يکي از آثار تاريخي گرانيه‌هاي اسلام است که از آغاز تا آيينش تا سال ۶۲۸ هـ ق را فرا مي‌گيرد. بخش تاريخي از ظهور اسلام آغاز شده و تا دمين سال ادامه مي‌يابد ولي گزارش تاريخي خود را تا سال ۳۰۲ هـ ق به صورت تبيين و تبيين کتاب طبري داده است. (زرين کوب، ۱۳۶۸، ۲۷)

بنا به گفته «ابن اثير» در مقدمه کتاب الکامل وي با دقت فراوان که در آن روزگار در بين مورخين نادر بوده است، به جمع آوري و مقايسه روايات، ضبط و نقل اطلاعات اهتمام برده است. در مواردی که راجع به یک واقعه دو روايت مختلف اگر وجود داشته باشد در تبيين يکي بر ديگري مشکل مي‌نموده است به نقل هر دو روايت پرداخته است.

او در مورد شيوه نگارش اين کتاب آورده است که وي کتابي تاريخي و فراگير درباره گرايش‌هاي اوضاع زندگي پادشاهان خاور و باختر به دقت تفکيک کرده که به هنگام فراموش کردن مطلبي به آن رجوع کنند. وي از ميان روايات مختلف که طبري براي يک رويداد بيان کرده است که البته شبیه هم مي‌باشند، آنچه را که بهتر و کامل‌تر بوده، ذکر کرده و کمبودهاي آن را از جاهای ديگر تکميل نموده است. کتاب الکامل، اخبار مفصلي درباره سامانيان تا سگ ابوعلی چغاني دارد که اهميت آن در اين است که اخبار برگرفته از کتاب محمد بن التواريخ في اخبار ولاه خراسان» تأليف ابوعلی اسلامي مي‌باشد. ابن اثير با نگرشي انتقادي که در عصر خود بي‌سابقه بود براي گردآوری اثر بزرگ خود هيچ رويدادی را از نظر دور نداشته است.

تجارب السلف

نخجوانی، هندوشاه تجارب السلف، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۵۷ که نگارنده تجارب السلف چنانکه خود در مقدمه معرفی کتاب آورده «هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبی الکیرانی» است.

و کیران شهری بوده در آذربایجان بین تبریز و بیلقان. هندوشاه از مدرسه مستطریه بغداد سخن به میان آورده است که در آن مدرسه «ابن قیس نصرانی» طب تدریس می کرد و تدریس نجوم به عهده جلال الدین بن ایاد بود.

کتاب تجارب السلف حاوی اطلاعات ارزشمندی در مورد احوال وزرا و فرهنگ آل سامانی و بویلاقه و غیره دارد و انشا این کتاب چنان روان است که شاید کمتر کسی از خوانندگانش خسته شود. این کتاب جهت توضیح موارد مختلف به خصوص مدرسه مستطریه همچنین بیان حوادث و تاریخ مورد مطالعه نویسندگان بوده است. (رزی که، ۱۳۶۱، ۴۷)

در انشا این کتاب نظر کامل هندوشاه چنانکه خود در مقدمه می گوید به کتاب عربی «الفخری» تألیف ابن محمد بن علی بن طباطبائی علوی معروف به ابن الطقطقی» بوده است.

مروج الذهب

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات فرهنگی و علمی، تهران چاپ چهارم ۱۳۷۰ش
کتاب مروج الذهب بدلیل قرار گرفتن مؤلف کتاب «مسعودی» در قرن چهارم هجری حاوی اطلاعات فراوانی است که سودمند می باشد. در جلد دوم مروج الذهب اشارات مبسوط و منحصر بفردی نسبت به سامانیان به خصوص کشاکش میان اسماعیل سامانی با صفاریان و علویان طبرستان پرداخته است. لذا کتاب منبع

مهمی برای این دوره به لحاظ همزمانی با جوادث تاریخی مذکور شمرده می‌شود. نگارنده تحقیق از آن بسیار سود جسته و قابل ذکر است که این کتاب اطلاعات پر قیمتی در مورد اوضاع علمی و ادبی ایران در قرن سوم و چهارم هجری دارد و از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخی در قرون نخستین اسلام به شمار می‌آید.

تاریخ بخارا

ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القندی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۱

تاریخ بخارا را می‌توان یکی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخی پیرامون عصر سامانی محسوب کرد، علیرغم آنکه این کتاب به خصوص که درباره اوایل دوران امارت سامانیان با شرح و تفصیل بیشتری حواشی را بیان کرده است.

این کتاب حاوی مطالب ارزشمندی در مورد سابقه کهن شهر بخارا و حاکمان بغداد می‌باشد، شخصیت اماران سامانی و به خصوص امیر اسماعیل سامانی را در این کتاب می‌توان به وضوح مشاهده نمود.

این کتاب اخبار دقیقی در مورد بلا بخارا از ماورا النهر می‌دهد.

نرشخی در چندین مورد از مسموعات مشعشع خویش و اطلاعاتی را که از دیگران شنیده در کتاب خویش نقل کرده است.

اصل کتاب تاریخ بخارا نرشخی به عربی بوده که بعدها از میان رفته و نرشخی که خود معاصر شاهان سامانی بوده آن را به امیر نوح بن نصر تقدیم کرده است.

تاریخ بیهقی

تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (د. ۴۷۰هـ) از معروف‌ترین و کهن‌ترین آثار تاریخ فارسی درباره غزنویان به ویژه عصر سلطان محمود است. تاریخ بیهقی نیز به علت ویژگی‌های منحصر به فرد و تفاوت‌هایی که با دیگر منابع و مآخذ دارد، به عنوان یکی از منابع مبنا در تدوین قسمت‌هایی از

این اثر مورد استفاده قرار گرفت. بیهقی که از دبیران دستگاه غزنوی بود و عمده‌تأیادداشت‌ها، دیده‌ها و شنیده‌های خود را گردآوری کرده است اطلاعات مهمی درباره چگونگی فرمانروایی غزنویان، اوضاع داخلی دربار و روابط دیوان سالاری و رقابت‌های آشکار و نهان و وزرا، دیوانیان و امرا و شرایط اجتماعی خراسان و ماوراالنهر، اوضاع علمی این سرزمین، روابط غزنویان با خلفا و وضعیت سلسله‌های محلی دیک، مثل فریغونیان و غزنویان و ... ارائه کرده که بررسی ویژگی‌های فردی، سیاسی و حکومتی غزنویان، تجزیه و تحلیل شرایط اجتماعی و علمی و فرقه‌ای سرزمین خراسان و ماوراالنهر و تبیین چگونگی مواجهه غزنویان با فرق گوناگون کلامی و اندیشمندان و خدایان بسیار راهگشا بوده است.

تاریخ سیستان

از نویسندگانی نامعلوم که در واسطه قرن پنجم نوشته شده است. کتاب با بنا کردن سیستان آغاز و پس از ذکر نام سیستان و نام‌های سیستان و طریقت مردم سیستان به دوره اسلامی می‌رسد. سپس با تعامل در حضور پیامبر اسلام (ص) با عنوان حدیث نور مصطفی و ذکر سلسله سید آن حضرت و بیان فتوحات مسلمانان به ذکر مجموعه والیان اموی و عباسی سیستان پرداخته و در نهایت حجم مهمی از کتاب را به حکمرانی طاهریان، سامانیان، صفاریان اختصاص داده است. اهمیت کتاب در توصیف‌ها و اطلاعاتی است که از دودمان صفاریان به ویژه یعقوب و عمرولیث صفاری به دست داده است. دیگر مورخان مسلمان اسلامی به جهت اختلافات و درگیری‌هایی که صفاریان به ویژه یعقوب و عمرولیث صفاری با دستگاه خلافت داشته‌اند نظر مساعد و مثبتی درباره آنان نداشته‌اند. به نظر آنان ظاهرأ صفاریان یاغیانی بودند که بر علیه خلافت مسلمین قد علم کرده بودند. بنابراین آن گونه که شایسته است به اخبار و احوال آنان پرداخته‌اند. درحالی که

تاریخ سیستان مهم‌ترین کتابی است که احوال و اخبار صفاریان به ویژه یعقوب لیث صفاری را به صورتی مفصل و تا حدودی منصفانه مورد توجه قرار داده و اطلاعات مهم و ارزشمندی از دوره حکمرانی صفاریان گزارش کرده است.

صوره الارض

کتاب ابوالقاسم محمد بن حوقل بغدادی بعد از (۳۶۷ هـ) یکی از آثار مهم جغرافیای تاریخی است. ابن حوقل در تدوین کتاب از مسالک و ممالک ابن خردادبه، کتاب جیبی، تذکره قدامه بن جعفر و مسالک و ممالک اصطخری استفاده کرده است. به نه‌ای که گاه مطالب اصطخری را کلمه به کلمه نقل کرده است. ابن حوقل نیز اطلاعات ارزشمندی درباره اوضاع اقلیمی و اجتماعی خراسان و ماوراءالنهر به ویژه درباره دولت حکمرانی سامانیان ثبت و ضبط کرده است.

سخنی چند از دانشمندان و محققان درباره سامانیان:

بخش قابل توجهی از اوراقی که به عنوان عصر سامانیان و تاریخ ایران بعد از اسلام نگاشته شده به تجلیل و ستایش از این خاندان اختصاص یافته است. هر چند مقصود از ستایش برکشیدن شخصیت‌های مبسوط و هیجته هم بوده است. لیکن هدف اصلی، تمجید و تجلیل از مظاهر عالی اندیشه و عمل در این روزگار و تداوم آن در اعصار بعد تا دوران حاضر است.

مؤلف احسن التقاسیم (مقدسی) که خود طی سفری خراسان از نزدیک اوضاع دولت و دولت مردان سامانی را مشاهده کرده، با توصیفی زیبایی اشاره می‌کند که این سرزمین بیش از دیگر نواحی دارای دانشمندان بوده و مرکز نیکوکاری و دانش و حتی پایگاه اسلام و دژ استوار دنیای اسلامی است و دانشمندان در آنجا به حکومت می‌رسند، و حاکمانش سرآمد دیگر بلاد و خوش رفتارترین و فرهنگ پرورترین فرمانروایان هستند. همچنین ادامه می‌دهد: «از امثال زبان زد مردم است که هرگاه درختی بر خاندان سامانیان یاغی شود خشک

خواهد شد.^۶ وی در جای دیگر آورده که در قلمرو سامانیان ممیزه‌های خاصی به چشم می‌خورد که در جای دیگر ندیده است و آن اینکه در فرهنگ این خاندان چنان است که دانشمندان را در برابر شاه مجبور به زمین بوسی نمی‌کنند و دربار آنان، هیچگاه از پیران بزرگوار خالی نمی‌شود.^۷ مؤلف تاریخ بخارا (نرشخی) در کل فضای کتاب، ستایش آمیز و از سر عظمت است. او به نماز به چشم یک مجتمع وسیع و عظیم علمی نگریسته و به صراحت اشاره می‌کند: «اگر جمله علمای بخارا را ذکر کنم، دفترها باید نوشت.»^۸

ممیزه‌ی یک فرهنگ پویا، تواضع و خرد ورزی و سلامت آن است نه مدح آن. همین فرهنگ است که شالوده و بنیان فرهنگ و ادبیات غنی و عمیق و جذاب فارسی و تاریخ و امروز این محصول بازار سامانیان را به لفظ شکرشکن فارسی و ادبیات شادمانه و فرهنگ دوستی و اخلاقیات آن را می‌شناسیم. دقیقی شاعر عهد سامانی به جای تکیه و مداحی، در کمال آزادی عقیده و اندیشه خود، به دور از هر گونه تعصب و هراسی می‌سراید.^۹

زمانی که ابن سینا در مداوی مرضی بن منصور (نوح سوم سامانی) توفیق یافت، اجازه استفاده از کتابخانه سامانیان را گرفت. او می‌گوید که، چون داخل کتابخانه شدم، اتاق‌های بسیار دیدم که در آن‌ها مکتوب بسیار از کتب بر روی یکدیگر چیده، و هر اتاقی درباره یک موضوع یا دانش بود.^{۱۰} بنابراین تلاش سامانیان در خلق هسته‌های نوین فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی امری غیر قابل انکار و به خدمت گرفتن اقتدار سیاسی - نظامی در راستای تکوین وحدت ملی یک نبوغ خردمندانه بوده است.

۶ - مقدسی، ابوعبدالله، احسن التقاسیم فی معرفة الاقاسم، ترجمه دکتر علی نقی منزری، ج ۱ ص ۳۸۱ - ۳۸۷.

۷ - همان ص ۴۸۱.

۸ - نرشن، تاریخ بخارا، تلخیص محمدبن رفر ص ۷.

۹ - نقل از: بارتلدو. و. تاریخ ترکهای آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی (تهران، توس) ص ۵۳.

۱۰ - نقل از: دیباجی، سید ابراهیم، ابن سینا به روایت اشکوری و اردکانی، ص ۴۰، نشر امیر کبیر.

اشپولر یکی از محققان صاحب نظر به صراحت اذعان می‌کند که «حیات فرهنگی در واقع باروی کار آمدن سامانیان بود که آغاز شد.»^{۱۱} وی در جایی دیگر سامانیان را نخستین احیاگران و مروجان معنویت و روح ایرانی بر می‌شمارد.^{۱۲} اسلامی ندوشن در کتاب هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام می‌گوید: «بر اثر سیاست سامانیان، نوعی تجدید خاطره ایران گذشته، باب روز می‌شود و منجر به شاهنامه پردازی می‌گردد که از ابولمؤید بلخی، عماره مروزی، دقیقی شاهنامه ابو مسعود آغاز می‌گردد و در شاهنامه فردوسی به کمال می‌پیوندد.»^{۱۳}

ریچارد فرای از صاحب نظران عصر سامانیان نیز با توجه به تحقیقات گسترده‌ای که به بارن این دوره از تاریخ ایران انجام داده است، نظراتی از سر تامل بر کلیت این عرصه دارد. وی با قاطعیت اعلام می‌دارد که بخارا در بین‌المللی ساختن دین و تمدن نقش مهمی داشت... و به نظر من، امتزاج ایران و اسلام، بزرگ‌ترین دستاورد بوده و به همین خاطر، همواره باید از آنان یاد شود.^{۱۴} وی در تکمیل ادعای خود می‌آورد که «رستاحیز فرهنگی - تمدنی قرن سوم و چهارم هجری در قلمرو سامانیان، عکس العمل ناسیونالیسم ایرانی برضد اسلام نبوده، بلکه تحول موفق برای نجات اسلام و رهانیدن آن از ریسک‌های عربی و رسوم و آداب بدوی بوده و از این راه که اسلام را به فرهنگی غنی و انطباق‌پذیر و جهانی‌تر از آنچه قبلاً بود، مبدل ساخت.»^{۱۵}

آکادمیسین نعمت اف، اعتقاد دارد که یکی از کمالات دولت سامانیان این بود که افکار سیاسی - اجتماعی برخوردار از تقدس و احترام و در عین حال منضبط و قانونی بودند. همین قضایا موجب هدایت دولت رعایت هدایت پرور

۱۱ - برتولد اشپولر، تاریخ ایران در قرن نخستین اسلامی، ترجمه: مریم میر احمدی، ج ۲ ص ۲.

۱۲ - همان ص ۱۲۶.

۱۳ - اسلامی ندوشن، دکتر محمد علی، هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام، مجله اطلاعات سیاسی،

اقتصادی ص ۱۲، ش ۱۲۹ - ۱۳۰، ص ۵۲.

۱۴ - فرای ریچارد نلسون، بخارا دستاورد قرون وسطی، ترجمه محمود محمودی (تهران، علمی فرهنگی) ص ۱۶۵.

۱۵ - ریچارد فرای، سامانیان، تاریخ ایران کمبریج از اسلام تا سلاجقه، جلد چهار، ص ۱۲۸ تا ۱۴۰.

سامانیان به سوی دموکراسی، اصول انسان دوستانه، نیکی، صلح و آسایش می‌شد.^{۱۶}

یافته‌های مسلمانان در زمینه‌های گوناگون دانش و فرهنگ تا جایی در اروپا راه یافت که جهانیان را به این باور رساند که مسلمانان پایه گذاران رنسانس اروپا بوده‌اند.^{۱۷}

مانند ابوعلی سینا طبیب و فیلسوف و دانشمند بزرگ ایران که کتاب قانون او عنون بزرگ‌ترین رساله پزشکی به چندین زبان زنده دنیا و به تعداد ۴۹ بار ترجمه شده و در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شود و یا الحاوی زکریای رازی هم همین صور. بارتولد عصر سیادت سامانیان را عصر استبداد منوره نامیده است.^{۱۸} وی علت اساسی پرفتور صنعت و بازرگانی این عصر را مشخصاً در دو عامل برمی‌شمارد: نخست فقدان بازار خراج سنگین و خرد کننده، دوم صلح خارجی.^{۱۹} وی معتقد است که از زمان حکومت سامانی به دلیل استقرار حکومت سیاسی- نظامی مقتدر، سیاست با صلح و دیوار سازی جای خود را به سیاست تعلیم و آموزش سپاه برای محارب تغییر داد. هیچ گاه سیاست اینان تجاوز کارانه نبود.^{۲۰}

۱۶- تاریخ سامانیان، ص ۶۶.

۱۷- نقل از: حائری، عبدالهادی، آزادی‌های بنیادی و اجتماعی از دیدگاه اندیشه گران (مشهد، دانشگاهی ۱۳۷۴) ص ۸۴

۱۸- بارتولده.و.و. ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، ص ۴۶۲.

۱۹- همان ص ۵۱۰-۵۰۳.

۲۰- نقل از: بارتولد.و.و. تاریخ ترک‌های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی (تهران، توس) ص ۵۳.

فصل اول

تأسیس دولت سامانی

نوح بن نصر (۳۴۳ - ۳۲۱)

عبدالملک بن نوح (۳۵۰ - ۳۴۳ ق)

نوح بن منصور (۳۸۷ - ۳۶۶ هـ. ق)

منصور بن نوح (۳۸۹ - ۳۸۷ هـ. ق)

معاهده صلح قطوان (۳۸۶ هـ / ۹۹۶ م)

سیمای عمومی خلافت در آستانه حکومت سامانیان

اوضاع مذهبی ایران مقارن ظهور سامانیان